



بررسی مسئله حیض ناظر بر آیه ۲۲۲ سوره مبارکه بقره

طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام (تحقیق خراسان) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، قم-ایران، اول، ۱۴۰۹ هـ ق

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیجسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۸ جلد، مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۰۸ هـ ق

بررسی مسئله حیض ناظر بر آیه ۲۲۲ سوره مبارکه بقره

سید صدرالدین خورسند



چکیده

این آیه شریفه به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود که در بخش اول آن به بررسی لغوی و تا حدی فقهی تعابیری همچون « محیض ، اذنی ، اعتزال » پرداخته شده است. و همچنین در بخش دوم آن ، که بخش مهم تر آیه شریفه می باشد، به بررسی اختلافات موجود در استنباط حکم وضعی مجامعت مرد با زن حائض، از این آیه با در نظر داشتن روایات مفسره آن، پرداخته شده است. که به طور خلاصه می توان فقها را به اعتبار اختلافاتی که در جواز یا حرمت این فرع فقهی، دارند ، به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول: قائلین به جواز مجامعت با حائض بعد از انقطاع خون و قبل از غسل. دسته دوم: قائلین به جواز مجامعت با حائض فقط بعد از غسل و عاری شدن وی از حدث حیض.





کلید واژگان: محیض، حیض، حتی یطهرن، آیه ۲۲۲ سوره بقره، اعتزال

مقدمه

احکام حیض، یکی از پیچیده ترین احکام شرعی است. تا حدی که برخی از علماء اعم از متأخرین و قدماء، فرموده اند که هنوز این مبحث را به اندازه مسائل فقهی دیگر، دریافت نکرده و آنطور که باید آن را هضم نکرده اند. یکی از فروعی که این مبحث پر پیچ و خم دارد، مبحث زمان جواز مجامعت مرد با زن حائض می باشد. که آیا این زمان اختصاص به زوال حدث حیض از زن بوسیله غسل دارد؟ یا نه بلکه مرد جواز دارد حتی قبل از غسل هم با حائض مجامعت کند؟

با بررسی اجمالی آیات و روایات مفسره آن ها، همان نظری به ذهن انسان می آید که مشهور قریب به اجماع فقهاء، قائل به آن شده اند. ولی نکته ای که نظرات را به خود جلب می کند، فتوای عده بسیار اندکی از فقها می باشد، که کاملاً مخالف با نظر مشهور فقهاء است. از جمله آن فقهای اندک، شیخ صدوق رحمه الله می باشد. که تلاش شده است تا بوسیله این چند تکه کاغذ اندک، به صورت اجمالی به بررسی روش برخورد این دو دسته از فقهای بزرگ شیعه، با این آیه شریفه و روایات ذیل آن، پرداخته شود.

۱. بخش اول آیه شریفه

« وَ يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ »

۱-۱. محیض اول

۱-۱-۱. بررسی لغوی





بررسی مسئله حیض ناظر بر آیه ۲۲۲ سوره مبارکه بقره

در مورد لفظ محیضی که در اول آیه به آن تعبیر شده ، تقریباً اتفاق مفسرین و لغویون ، قائل به مصدر میمی بودن آن هستند.^۱ از این جهت که وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سوال شد ، مورد سوال ، اصل حیض بود، نه زمان حیض یا مکان آن. همچنین پس از بررسی ریشه (ح ی ض) ، به معانی ای از جمله ، فیضان و سیلان^۲ ، برمی خوریم، که البته برخی این دو معنا را مقید به خروجی آرام گونه، از درون چیزی ، دانسته اند.^۳

۱-۱-۲. بررسی اصطلاحی

از لحاظ اصطلاح فقهی ، به خونی که هر ماه در روز های مشخصی از رحم زن خارج می شود، حیض می گویند. همچنین تعبیر آن به حائض ، وصف خاص زن است و به همین دلیل، علامت تأیث نمی پذیرد.^۴

۱-۲. اذی

۱-۲-۱. بررسی لغوی

در مورد اذی ، سخن فراوان است . وقتی از لحاظ لغوی این لفظ را بررسی می کنیم، به معانی ای از جمله : قدر ، مستقدر ، مکروه^۵ و معانی دیگری از این قبیل برمیخوریم. همچنین تعریف دقیق تری که در کتاب التحقیق در مورد اذی ، ذکر شده است ، عبارت است از : « ما یصل الی الحیوان من الضرر إما فی نفسه أو جسمه أو تبعاته دنویاً کان أو اخرویاً».^۶

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

۱-۲-۲. بررسی اصطلاحی

^۱ مجمع البحرین ، طریحی ، فخرالدین بن محمد ، ج ۴ ، ص ۲۰۱ ، تفسیر تفسیر تسنیم ، جوادی آملی ، عبدالله ، جوادی آملی ، عبدالله ، ج ۱۱ ، ص ۱۶۰ ، مسالک

الأفهام الی آیات الأحکام ، کاظمی ، فاضل الأفهام الی آیات الأحکام ، کاظمی ، فاضل ، ج ۱ ، ص ۹۱

^۲ تاج العروس ، واسطی ، زبیدی ، ج ۱۰ ، ص ۴۴

^۳ تفسیر تفسیر تسنیم ، جوادی آملی ، عبدالله ، جوادی آملی ، عبدالله ، ج ۱۱ ، ص ۱۶۰

^۴ مصطلحات الفقه ، مشکینی ، میرزا علی ، ص ۲۲۲ : (ثم ان الحیض مستعمل فی النصوص و کلمات الأصحاب فی معناه اللغوی و العرفی ، و عرفه اکثرهم بأنه دم

خلقه الله تعالی فی الرحم لمصالح و هو فی الغالب أسود أو أحمر غلیظ طریّ حارّ یرج بقوه و حرقة.) ، تفسیر تفسیر تسنیم ، جوادی آملی ، عبدالله ، جوادی

آملی ، عبدالله ، ج ۱۱ ، ص ۱۶۰

^۵ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر ، فیومی ، احمد بن محمد ، ج ۲ ، ص ۱۰ ، مجمع البحرین ، طریحی ، فخرالدین بن محمد ، ج ۱ ، ص ۲۴

^۶ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ، مصطفوی ، حسن ، ج ۱ ، ص ۶۵





اما با بررسی دقیق تر این کلمه بعلاوه جایگاهی که در آیه مورد نظر و آیات دیگر دارد، برخی از مفسرین از جمله، حضرت آیت الله جوادی آملی (حفظه الله)، معنای جامع تری برای آن ذکر فرموده اند. به عنوان مثال، معظم له، در کتاب تسنیم می فرمایند: «مراد از اذی، مطلق رنج است نه مرض یا ضرر. زیرا این واژه در آیه «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ»^۱، در برابر مرض، قرار گرفته و در آیه «لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُؤْلُوكُمُ الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ»^۲، از ضرر استثناء شده است. پس حتماً به معنای ضرر نیست، وگرنه عبارت چنین می شد: «لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلَّا ضَرًّا». بنابراین کلمه «اذی»، به معنای مرض و ضرر نیست؛ افزون بر آن در آیاتی مانند «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»^۳، «اذی» با معنای «ضرر» انطباق ندارد. «اذی» اعم از «رنج روحی و بدنی» است؛ زیرا در آیه: «لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى»^۴، در برابر منت قرار گرفته است که رنج روحی است و در بحث صدقات، کلمه «اذی» مطلق آمده است: «قول معروف...»^۵، که می تواند شامل هر دو قسم از رنج باشد.^۶



۱-۳. اعتزال

۱-۳-۱. بررسی لغوی

اعتزال از لحاظ لغوی، به همان معنای عزلت پیشه کردن است.^۷

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)
پروژه کاغذ علوم انسانی و مطالعات قرآنی

۱-۳-۲. بررسی معنایی

اعتزال در این آیه معنایی کنایی دارد و به معنای دوری از مجامعت با زنان است نه مطلق عزلت و گوشه گیری از آنان. اما این که دال بر عدم جواز مطلق استمتاع از آنان در زمان حیض باشد، یا

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۶

۲. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۱۱

۳. سوره مبارکه احزاب، ۵۷

۴. سوره مبارکه بقره، ۲۶۴

۵. سوره مبارکه بقره، ۲۶۳

۶. تفسیر تسنیم، جوادی آملی، عبدالله، ج ۱۱، ص ۱۶۲ و ۱۶۳

۷. تاج العروس، واسطی، زبیدی، ج ۱۵، ص ۴۸۲





این که فقط عدم جواز استمتاع از برخی مکان های مورد نظر ، محل اختلاف است. منشأ این اختلاف هم تفاوت دیدگاه فقها ، نسبت به اسم زمان یا مکان بودن ، محیض است.

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر شریف المیزان می فرمایند: « یهود در این مساله شدت عمل به خرج می داد، و در حال حیض زنان، حتی از غذا و آب و محل زندگی و بستر زنان دوری می کرد. اما نصارا، در مذهب ایشان هیچ حکمی در باره اجتماع با زنان حائض، و نزدیک شدن به ایشان نیامده، و اما مشرکین عرب، آنان نیز در این باره هیچ حکمی نداشتند، جز اینکه ساکنین مدینه و دهات اطراف آن، از این کار اجتناب می کردند، و این بدان جهت بود که آداب و رسوم یهودیان در ایشان سرایت کرده بود.

و اما عربهای دیگر، چه بسا این عمل را مستحب هم می دانستند، و می گفتند جماع با زنان در حال حیض باعث می شود فرزندی که ممکن است پدید شود خونخوار باشد، و خونخواری در میان عشایر صحرائین صفتی پسندیده بوده است.

به هر حال پس اینکه فرمود: « فَأَعْتَزَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ »، هر چند ظاهرش امر به مطلق کناره گیری است ، همانطور که یهودیان می گفتند. و هر چند که برای تاکید این ظاهر بار دوم هم فرمود: " وَ لَا تَقْرُبُوهُنَّ "، و لیکن جمله: " فَأَتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أُمِرَكُمُ اللَّهُ "، با در نظر داشتن اینکه منظور از (آنجایی که خدا دستور داده) همان مجرای خون است، که در آخر آیه است، خود قرینه است بر اینکه جمله: (فاعتزلوا)، و جمله دوم یعنی " وَ لَا تَقْرُبُوهُنَّ " جنبه کنایه دارند، نه تصریح.^۱

به فرموده حضرت آیت الله جوادی آملی (زید عزه) در تفسیر تسنیم: « محیض دوم در آیه ، اسم مکان یا احتمالا اسم زمان است. اگر اسم زمان باشد ، احتمالا نشان حرمت مطلق استمتاع در ایام حیض است ، چنانکه برخی به آن فتوی داده اند. لکن می توان حرمت آن را مخصوص آمیزش جنسی دانست. نه هر استتماعی هر چند از برخی روایات، اسم زمان بودن آن ، استفاده می شود.»^۲

از ظاهر کلام ایشان، برداشت می شود که ایشان قائل به تخصیص حرمت به آمیزش جنسی هستند، نه هر نوع استتماعی. که ملزوم این حکم ، اسم مکان بودن محیض است. مرحوم طبرسی نیز در تفسیر مجمع البیان می فرمایند: « مراد از اعتزلوا در این آیه یعنی اجتناب کنید از مجامعت با آنان در فرج»^۳

۱. ترجمه تفسیر المیزان ، طباطبایی ، سیدمحمدحسین ، ج ۲ ، ص ۳۱۲ و ۳۱۳

۲. تفسیر تسنیم ، جوادی آملی ، عبدالله ، ج ۱۱ ، ص ۱۶۷

۳. مجمع البیان ، طبرسی ، فضل بن حسن ، ج ۲ ، ص ۵۶۲ و ۵۶۳





مسالک هم آورده که « کافه مسلمانان اتفاق در حرمت مجامعت با زنان در زمان حیض، هستند. لکن در جواز یا عدم جواز استمتاع، نظرات متفاوت است. اجماع، قائل به حلیت استمتاع از زنان در آنچه که بالای ناف و زیر زانو است، هستند. اما در مورد آنچه بالای زانو و زیر ناف است، اختلاف وجود دارد که برخی قائل به جواز و برخی عدم جواز، لکن با بیان تفصیلی، نسبت به این مکان شده اند.»^۱ که البته مجال بررسی خصوص این اختلافات در این اندک صفحات نیست.

۲. بخش دوم آیه

« وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ »

۱-۲. « ولا تقربوهنّ حتى يطهرن »

۲-۱-۱. « ولا تقربوهنّ »

در نگاه اول، معنایی که از این فعل، متبادر به ذهن می شود، مطلق معنای نزدیکی است. به این معنی که تا این زن، حائض است و طاهر یا به تعبیر دیگر (مطهر) نشده، نزدیک به آن نشوید. همانطور که حضرت علامه رحمه الله در المیزان به برخورد یهود و نصاری و مشرکین عرب، مبنی بر عمل شدید آنها نسبت به زنان حائض اشاره کردند، تا حدی که فرمودند در حال حیض زنان، حتی از آب و غذا و محل زندگی و بستر آنان، دوری می کردند، ناظر به همین معنای لغوی « لا تقربوهنّ » می باشد، که البته همانطور که بیان شد، اولاً در برخورد با این فعل معنای مطلق نزدیکی با آنان، متبادر به ذهن خواهد بود، که خواهیم گفت این معنی برای این فعل در این جایگاه، کاملاً غلط می باشد، و این آیه شریفه برای از بین بردن همین سنت غلطی و افراطی گری ای که میان یهود و نصاری رواج داشت، نازل شده است. همچنین به بیان حضرت علامه طباطبایی رحمه الله، که پس از بررسی این بخش از آیه می فرمایند: « پس معلوم شد که اسلام در مسأله حیض زنان راه وسط را اتخاذ کرده. راهی میانه در بین تشدید ی که یهود اتخاذ کرده و در



^۱ مسالک الأفهام الی آیات الأحکام، کاظمی، فاضل، ج ۱، ص ۹۱



بین اهمال مطلقى که نصارى پیش گرفته اند و آن راه میانه این است که مردان در هنگام عادت زنان از محل ترشح خون، نزدیکی نکنند. در حالی که تمتعات غیر این را می توانند ببرند.^۱

اما در مورد معنای حقیقی این فعل در این آیه باید گفت که ظاهراً همان نظری که حضرت علامه رحمه الله در المیزان قائل بودند، صحیح می باشد. و آن هم این بود که فعل « لا تقربوهن » در آیه منظور، به همان معنای « فاعتزلوا النساء » می باشد، که به منظور تأکید، برای بار دوم ولی با تغییر در شیوه بیان، آورده شده است.^۲ با بررسی نظرات دیگر مشاهده شد که تقریباً قریب به اتفاق مفسرین و فقهاء نیز قائل به همین قول می باشند. به عنوان مثال، فاضل مقداد رحمه الله در تفسیر کنز العرفان، شیخ طبرسی رحمه الله در تفسیر مجمع البیان^۳، جناب فاضل کاظمی در مسالک الأفهام الی آیات القرآن^۴ و مفسرین دیگر و همچنین فقهای فقه شیعه، بر همین نظر منظور هستند.

در نتیجه ی این تتبعات در تفسیر و فقه شیعه، اختلافی میان علمای تفسیر و فقه در این که این فعل در خصوص این آیه، معنای کنایی دارد، دیده نمی شود.

۲-۱-۲. « حتی یطهرن »

۲-۱-۲-۱. بررسی اختلاف قرائات در این فعل

در مورد اختلاف قرائاتی که قرآء مشهور سبعة، در خصوص این فعل داشته اند، نیز اختلافاتی هست. برخی از جمله شهید اول^۵ و محقق ثانی^۶ قائل به عدم وجود هیچگونه اختلاف قرائتی در خصوص این فعل هستند و به نظر ایشان، اجماع قرآء سبعة، این فعل را به تخفیف قرائت نموده اند.

۱. ترجمه تفسیر المیزان، طباطبایی، سید محمدحسین، ج ۲، ص ۳۱۳

۲. همان، ۲، ۳۱۲.

۳. مجمع البیان، طبرسی، فضل بن حسن، ۲، ۵۶۲.

۴. مسالک الأفهام الی آیات الأحکام، کاظمی، فاضل الأفهام الی آیات الأحکام، ۱، ۹۵.

۵. روض الجنان، عاملی، زین الدین بن علی، ج ۱، ص ۲۱۶.

۶. جامع المقاصد، ۱، ۳۳۳.





اما برخی دیگر از علماء از جمله جناب فاضل کاظمی^۱، شیخ طبرسی رحمه الله^۲، فاضل مقداد رحمه الله^۳، قائل به وجود اختلاف در قرائت این فعل هستند. به گونه ای که دو تن از قرآء سبعه به نام های : حمزه و کسائی، به تشدید و مابقی به تخفیف قرائت کرده اند. که البته در بیان این افراد هم میان علماء اختلاف اندکی دیده می شود. به گونه ای که به طور مثال شیخ طبرسی رحمه الله، می فرماید: اهل کوفه بغیر از حفص به تشدید و باقی قرآء، این فعل را به تخفیف قرائت نموده اند.

۲-۱-۲-۲. بررسی فقهی بر اساس اختلاف قرائات

دانسته شد که « لا تقربوهن » کنایه به معنای « منع مجامعت » با حائض است. اما سوال اساسی ای که در این بین مطرح می شود این است که تا چه زمانی مجامعت با حائض ممنوع است؟ تا زمانی که هنوز از خون حیض پاک نشده است؟ یا تا زمانی که هنوز غسل حیض نکرده است؟ به بیان دیگر: این که حائض از خون حیض پاک شود، جواز مجامعت با اوست؟ یا این که از حدث حیض بوسیله غسل پاک شود؟ به بیان آخر: شرط جواز مجامعت با حائض، رهایی او از خبث حیض است یا حدث حیض؟

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)

این سوالی است که محل اختلاف میان فقهاء شده است. تا جایی که اکثر قریب به اتفاق فقهاء حکم به جواز، اما کراهت مجامعت با حائض پس از پاک شدن وی از خبث حیض را داده اند. در مقابل عدّه بسیار اندکی، حکم به حرمت مجامعت با حائض قبل از پاک شدن وی از حدث حیض، را داده اند که از جمله آن عدّه بسیار اندک، شیخ صدوق رحمه الله است. که قائل به حرمت مجامعت تا زمان قبل از پاک شدن حائض از حدث حیض، شده اند.

۱. مسالک الأفهام الی آیات الأحکام، کاظمی، فاضل الأفهام الی آیات الأحکام، ۱، ۹۵.

۲. مجمع البیان، طبرسی، فضل بن حسن، ۲، ۵۶۲.

۳. کنز العرفان، مقداد، حلّی، ج ۱، ص ۴۱.





۲-۱-۲-۳. اما منشأ این اختلاف کجاست؟

با مراجعه به کتب تفسیری و فقهی، سه دسته نظر در مورد این فعل، دیده می شود که کاملاً متفاوت با یکدیگرند:

الف. دسته اول قائل به وجود تعارض و تفاوت میان این دو قرائت شده اند که می تواند مؤثر در اختلاف حکم در این موضوع باشد. بدین گونه که:

۱. قرائت به تخفیف (ولاتقربوهنّ حتی یطهّرن) : با آنان مجامعت نکنید تا وقتی خون از آنان قطع نشده باشد(تا زمانی که از حیث حیض ، پاک نشده اند.)

۲. قرائت به تشدید (ولاتقربوهنّ حتی یطهّرن) : با آنان مجامعت نکنید تا وقتی غسل نکرده اند(تا زمانی که از حدث حیض پاک نشده اند.)^۱

ب. دسته دوم قائل به هیچگونه تعارض یا تفاوتی میان این دو قرائت نشده اند. البته که ظاهر قرائت دوم، اعتبار تطهیر است.

اما سوال ما از این دسته از علماء این است که چگونه می شود هیچگونه تعارضی میان این دو قرائت وجود نداشته باشد؟ چطور قائل به عدم تعارض معنایی میان این دو فعل شده اند؟

ایشان در جواب می فرمایند: به علت جواز جمع بین این دو قرائت . به این بیان که اشکالی از اهل لسان بر آن بار نمی شود که بخاطر ایجاد توافق و همدستگی بین دو قرائت، قرائت تضعیف را حمل به تخفیف کنیم. مثال هایی غیر از این مورد هم وجود دارد که دیده شده جاهایی « تَفَعَّلَ »

۱. مجمع البیان ، طبرسی ، فضل بن حسن ، ج ۲ ، ص ۵۶۲ و ۵۶۳ ، مسالک الأفهام الی آیات الأحکام ، کاظمی ، فاضل الأفهام الی آیات الأحکام ، ج ۱ ، ص ۹۵





به معنای « فَعَلَ » می باشد. مثل: تَعَطَّمْتُ الطَّعَامَ = طَعَّمْتُهُ^۱ که در اینگونه مثال ها، ثقیل به معنای خفیف خود است. مثل: متکَبَّرَ فِي أَسْمَاءِ اللَّهِ = بمعنی کبیر.^۲

ج. دسته سوم که اصلاً قائل به اختلاف قرائت نیستند، به این بیان که تمامی قرآء سبعة بالإجماع این فعل را به تخفیف قرائت کرده اند.^۳ برخی از این دسته، معنای فعل « يَطْهَرْنَ » را طهارت از خبث و برخی دیگر، به معنای طهارت از حدث می دانند.

اما پاسخ به این سوال که چرا در ترجمه این فعل به اختلاف افتاده اند، در فصل ... مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۲. « فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأَتُوهُنَّ »

۲-۲-۱. « فَإِذَا تَطَهَّرْنَ »

قبل از بررسی این بخش از آیه شریفه، باید به دو نکته اشاره شود: نکته اول این که اتفاق قرآء سبعة، این آیه را به تشدید قرائت فرموده و هیچ اختلافی در این قرائت میان فقهاء مشاهده نمی شود. نکته دوم این که چنانچه فعل « يَطْهَرْنَ » به تشدید قرائت شود، فعل « تَطَهَّرْنَ » (که از همان باب تَفَعَّلَ است)، با غرض تکرار مجدد غایت (تحصیل طهارت)، آورده شده است. اما چنانچه با حالت تخفیف، خوانده شود، فعل « تَطَهَّرْنَ »، مانع انعقاد ظهور غایت در صرف قطع خون است. در نتیجه، غایت، تطهّر (تحصیل طهارت)، خواهد بود که بالاتر از طهارت به معنای انقطاع خون

۱. همان، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۵۱

۲. روض الجنان، عاملی، زین الدین بن علی، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۱۷

۳. روض الجنان، عاملی، زین الدین بن علی، ج ۱، ص ۲۱۶، جامع المقاصد، عاملی، علی بن حسین، ج ۱، ص ۳۳





است. اما اینکه مراد از تطهّر، تحصیل طهارت با کدام یکی از اسباب طهارت (غَسْل-غُسْل-وضو) است، از روایات به دست می آید.^۱

پس تا اینجا معنای اجمالی این فعل مشخص شد که همان « تحصیل طهارت » می باشد. اما همانطور که حضرت آیت الله جوادی حفظه الله اشاره فرمودند، برای فهم نحوه تحصیل این طهارت، باید به بررسی روایات پردازیم.

۲-۲-۱-۱. بررسی روایات

پس از بررسی اخبار این باب، به دو دسته روایات با دو مدلول و مفهوم متفاوت با یکدیگر، بر می خوریم:

الف. دسته اول که دال بر جواز وطیء با حائض پس از انقطاع خون حیض و قبل از غسل می باشد. به طور نمونه:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي الْمَرَأَةِ يَنْقَطِعُ عَنْهَا الدَّمُ دَمَ الْحَيْضِ فِي آخِرِ أَيَّامِهَا، قَالَ إِذَا أَصَابَ زَوْجَهَا شَبَقٌ فَلْيَأْمُرْهَا فَلْتَغْسِلْ فَرَجَهَا ثُمَّ يَمْسُهَا إِنْ شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ.

وَعَنْهُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَائِضِ تَرَى الطُّهْرَ، أَيْقَعُ بِهَا زَوْجَهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ؟ قَالَ لَا بَأْسَ وَبَعْدَ الْغُسْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ.^۳

ب. و دسته دوم که دال بر امتناع وطیء با حائض پس از انقطاع خون حیض و قبل از غسل می باشد. به طور نمونه:

^۱. تفسیر تسنیم، جوادی آملی، عبدالله، ج ۱۱، ص ۱۶۸

^۲. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، محمد بن حسن، ج ۲، ص ۳۲۴

^۳. همان، ج ۲، ص ۳۲۵





عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ كَانَتْ طَامِثًا فَرَأَتْ الطُّهْرَ، أَيْ يَقَعُ عَلَيْهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ؟ قَالَ لَا حَتَّى تَغْتَسِلَ. قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ حَاضَتْ فِي السَّفَرِ، ثُمَّ طَهَّرَتْ فَلَمْ تَجِدْ مَاءً يَوْمًا وَ اثْنَيْنِ، أَيْ يَحِلُّ لِرَوْجِهَا أَنْ يُجَامِعَهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ؟ قَالَ لَا يَصْلُحُ حَتَّى تَغْتَسِلَ.^۱

وَ عَنْهُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ سِنْدِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ تَحْرُمُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ ثُمَّ تَطْهَرُ، فَتَوَضَّأُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَغْتَسِلَ، أَمْ فَلِزَوْجِهَا أَنْ يَأْتِيَهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ؟ قَالَ لَا حَتَّى تَغْتَسِلَ.

پس از بررسی اخبار این باب، به دو دسته روایات با دو مدلول و مفهوم متفاوت با یکدیگر، بر می خوریم:

الف. دسته اول که دال بر جواز وطیء با حائض پس از انقطاع خون حیض و قبل از غسل می باشد. به طور نمونه:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي الْمَرْأَةِ يَنْقَطِعُ عَنْهَا الدَّمُ دَمُ الْحَيْضِ فِي آخِرِ أَيَّامِهَا - قَالَ إِذَا أَصَابَ زَوْجَهَا شَبَقٌ «۴» فَلْيَأْمُرْهَا - فَلْيَغْتَسِلْ فَرَجَهَا ثُمَّ يَمَسُّهَا إِنْ شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ. **مدرسه آقا**

وَ عَنْهُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَائِضِ تَرَى الطُّهْرَ - أَيْ يَقَعُ بِهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ - قَالَ لَا بَأْسَ وَ بَعْدَ الْغُسْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ.^۳



۱. همان، ج ۲، ص ۳۲۶

۲. وسائل الشیعه، حرّ عاملی، محمد بن حسن، ج ۲، ص ۳۲۴

۳. همان، ج ۲، ص ۳۲۵



ب. و دسته دوم که دال بر امتناع وطیء با حائض پس از انقطاع خون حیض و قبل از غسل می باشد. به طور نمونه:

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أُسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ كَانَتْ طَامِئًا فَرَأَتْ الطُّهْرَ - أَوْ يَقَعُ عَلَيْهَا زَوْجُهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ - قَالَ لَا حَتَّى تَغْتَسِلَ - قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ حَاضَتْ فِي السَّفَرِ - ثُمَّ طَهَّرَتْ فَلَمْ تَجِدْ مَاءً يَوْمًا وَ اثْنَيْنِ - أَوْ يَحِلُّ لِرِزْوَجِهَا أَنْ يُجَامِعَهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ - قَالَ لَا يَصْلُحُ حَتَّى تَغْتَسِلَ.^۱

وَ عَنْهُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ وَ سِنْدِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ تَحْرُمُ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ ثُمَّ تَطَهَّرَتْ - فَتَوَضَّأَتْ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَغْتَسِلَ - أَوْ فَلِرِزْوَجِهَا أَنْ يَأْتِيَهَا قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ - قَالَ لَا حَتَّى تَغْتَسِلَ.

۲-۱-۲-۲. مقایسه مدلول آیه با مدلول اخبار

پس از بررسی معنای اجمالی ای که از آیه شریفه شد، و همچنین بیان تعارضی که میان اخبار این باب وجود داشت، حال به بیان روشن برخورد و برداشت، علماء شیعه نسبت به این آیه شریفه و همچنین اخبار معارضی که مشاهده شد، می پردازیم.

همانطور که اول بحث هم اجمالا مطرح شد، اکثر قریب به اتفاق فقهای شیعه، قائل به جواز وطیء با حائض، بعد از انقطاع از خون حیض و قبل از غسل، شده اند. لکن برای آن وجه کراهت قائل شده اند. این درحالی است که تعداد بسیار اندکی از فقهای بزرگ و نامدار شیعه، قائل به حرمت این عمل قبل از غسل و پاکی حائض از حدث حیض، شده اند.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۲۶





مسأله ای که فی الحال در این میان مطرح است این است که روش برخورد این دو دسته از فقهاء با این آیه شریفه و همچنین روایات مفسر این آیه، چگونه بوده، که به این اندازه میان حکمی که از آنها صادر شده است، فاصله دیده می شود؟!

فقهای شیعه را از جهت روش برخوردی که با این آیه شریفه و اخبار وارده، داشته اند، می توان به دو دسته تقسیم کرد. الف. اکثر قریب به اتفاق فقهاء که قائل به جواز و کراهت و طییء شده اند، جمع بین اخبار کرده اند. به طوری که روایات دال بر امتناع و طییء، قبل از غسل را، حمل بر کراهت کرده اند. به این شکل که روایات مانع از این می شوند که معنای « یطهرون » را طهارت از حدث حیض بدانیم. بلکه چون یک دسته از روایات، دال بر جواز وقوع مرد بر حائض منقطع الدم قبل از اغتسال هستند، اجازه این که فعل مذکور در آیه را به معنای اغتسال بدانیم، نمی دهند! شهید ثانی رحمه الله هم زیل این فرع فقهی می فرمایند:

«و مستند القولین الأخبار المختلفة ظاهراً، و الحمل علی الکراهة طریق الجمع، و الآیة ظاهرة فی التحريم قابلة للتأویل.»^۱

ب. اما دسته دوم از فقهاء جواز وقوع مرد بر حائض را، منحصر در زوال حدث حیض از زن می دانند. نه صرف انقطاع خون. از جمله قائلین به این قول، مرحوم شیخ صدوق می باشد. ایشان در دو اثر ارزشمندشان یعنی المقنع و الهدایه می فرمایند:

«و لا يجوز للرجل أن یجامع امرأته و هی حائض، لأن الله تعالى نهی عن ذلك، فقال و لا تقربوهنَّ حَتَّى یطهرنَّ فإذا تطهرنَّ. عنی بذلك الغسل من الحيض.»^۲

بنابر این قول می توان اینگونه برداشت کرد که ایشان قائل به تأویل آیه شریفه نیستند و فعل « یطهرون » را نیز به همان معنای طهارت از حدث حیض می دانند.

^۱ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، شهید ثانی، ج ۱، ص ۳۸۷

^۲ الهدایة فی الأصول و الفروع، قمی، صدوق، محمد بن علی بابویه، ص ۲۶۳، المقنع، قمی، صدوق، محمد بن علی بابویه، ص ۳۲۲





اما سوالاتی که در این بین باقی می ماند این است که:

الف. آیا ایشان روایاتی که دال بر جواز مجامعت با حائض بعد از انقطاع و قبل از غسل می باشد را ، معتبر نمی دانند؟

ب. یا اگر معتبر می دانند، چگونه بین این روایات معارض و ظاهر آیه، جمع کرده اند ، که قائل به این قول شده اند؟

منابع

قرآن کریم

جوادی آملی، عبد الله / تسنیم / قم / مرکز نشر اسراء / ۱۳۹۰ هـ.ش.

حلی ، مقداد بن عبد الله سیوری / کنز العرفان / تهران / انتشارات مرتضوی / ۱۳۴۸ هـ.ق.

صاحب بن عباد، کافی الکفاه، اسماعیل بن عباد / المحيط فی اللغة / بیروت / عالم الكتاب / ۱۴۱۴ هـ.ق.

الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسین / مجمع البیان / بیروت / دار احیاء التراث العربی / ۱۴۰۶ هـ.ق.

طریحی، فخر الدین / مجمع البحرین / تهران / کتابفروشی مرتضوی / ۱۴۱۶ هـ.ق.

عاملی ، شهید ثانی ، زین الدین بن علی / روض الجنان / قم / انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم / ۱۴۰۲ هـ.ق.

_____ / الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة / قم / کتابفروشی داوری / ۱۴۱۰ هـ.ق.

عاملی، حر، محمد بن حسن / وسائل الشیعة / قم / مؤسسه آل البيت علیهم السلام / ۱۴۰۹ هـ.ق.





بررسی مسئله حیض ناظر بر آیه ۲۲۲ سوره مبارکه بقره

عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین / جامع المقاصد / قم / مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام / ۱۴۱۴ هـ.ق.

فیومی، احمد بن محمد مقرئ / المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر / قم / منشورات دار الرضی

قمی، صدوق، محمد بن علی بابویه / الهدایة فی الأصول والفروع / قم / مؤسسه امام هادی علیه‌السلام / ۱۴۱۸ هـ.ق.

_____ / المقنع / قم / مؤسسه امام هادی علیه‌السلام / ۱۴۱۵ هـ.ق.

کاظمی، فاضل، جواد بن سعد اسدی / مسالک الأفهام الی آیات القرآن

مصطفوی، حسن / التحقیق فی کلمات القرآن الکریم / تهران / مرکز کتاب لترجمه و النشر / ۱۴۰۲ هـ.ق.

موسوی همدانی، سید محمد باقر / ترجمه تفسیر المیزان / قم / دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم / ۱۳۷۴ هـ.ش.

واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، سید محمد مرتضی حسینی / تاج العروس / لغتنامه / بیروت / دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع / ۱۴۱۴

مدرسه علمیه امام صادق (ع) (مدرسه آقا)
پروژه کتابخانه علوم انسانی و مطالعات قرآنی

پرتال جامع علوم انسانی

